روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4295 | SAT.APR.19, 2025 | ISSN:2008-2886 | ۱۱۹۰ سال و ۲۲۹ روز گذشت |

شنبه | ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ | ۲۰ شوال ۱۴۴۶ | ۱۹ آوریل ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۹۵ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

گرک سیمون، استاد دانشگاه سوئد در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره بحران غزه:

شعارهای حقوق بشری پوچ و بی‌معنا شده است

صفحه ۷

سریال «پایتخت» نشان داد چگونه فرم هنری می‌تواند به انسجام ملی جان دهد

فرم زنده ملت زنده

صفحه ۸

پیام پادشاه عربستان به رهبر انقلاب تقدیم شد

تأکید سعودی بر گسترش روابط و همکاری در تمام زمینه‌ها با ایران

بن سلمان در تهران

صفحه ۵

«وطن امروز» بررسی کرد دلایل تغییر مواضع سعودی درباره ایران چیست؟

عکس: Khamenei.ir

تیترهای امروز

عراقچی پیام رهبر انقلاب را به پوتین تحویل داد

شراکت راهبردی

■ عراقچی: پیام رهبر انقلاب شامل مباحث مختلفی مانند مسائل منطقه‌ای و بحث‌های دوجانبه و همکاری‌های جاری با روسیه بود

■ کرملین: پیام پوتین به رهبر انقلاب به عراقچی منتقل شد

صفحه ۲

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ بررسی آخرین تحولات جنگ تعرفه‌های تجاری آمریکا با چین

ترامپ؛ تعادل یا عقب‌نشینی

صفحه ۳

چرا نباید تحقق رشد اقتصادی سالانه را به مذاکرات خارجی گره زد؟

ویژه

یک دهه تجربه

صفحه ۳

قاب ماندگار؛ بوسه بر چادر مادر

نگاه

تقی دژاکام

درباره فصل هفتم مجموعه تلویزیونی پایتخت به اندازه کافی و شاید ناکافی در این چند روز سخن گفته شده و کسان مختلفی از دیدگاه‌های گوناگون ارزیابی‌ها و نقد و نظرهای خود را مطرح کرده‌اند، از جمله اینکه در این مجموعه برخلاف همه بدآموزی‌ها و پراکنده‌گویی‌های فصل ششم، پایتخت تصویر درستی از روحانیت ارائه داد، دل‌ها را بیش از پیش به امام رئوف علیه‌السلام پیوند داد، زیبایی‌های کشورمان را دوباره در چشم ما نشاند، احترام به بزرگ‌ترها بویژه مادر را به یاد جوانان آورد و... . برآیند همه نقدهای مثبت به پایتخت هفتم، تقدیر از نگاه سالم و آموزاننده‌ای است که در آن به «خانواده» به عنوان یک رکن فراموش‌شده در تولیدات تصویری این سال‌های سیما و سینما توجه جدی شده است. این خانواده یک خانواده آرمانی و خیالی نیست که همه چیز آن سر جای خودش باشد و همه خوب و پاستوریزه و بی‌نقص و آنکادر باشند. خانواده نقی واقعا یک خانواده معمولی است، با همه خوبی‌ها و بدی‌ها و نقص‌ها و امتیازات و قهرها و آشتی‌ها و راست‌ها و دروغ‌هایی که همگی برای بیرون کشیدن گلیم خود از ورطه‌هایی است که در آن افتاده‌اند یا می‌ترسند بیفتند. اما هنر نویسنده و کارگردان آن این است که هرچه مجموعه به بخش‌های پایانی آن نزدیک‌تر می‌شود، سرهای افراد بیشتری در آن به سنگ می‌خورد و به هوش می‌آیند و خود را اصلاح می‌کنند و افراد پراکنده و دور از هم فیلم در قسمت پایانی همگی در یک کادر دور هم جمع می‌شوند و تصویر یک خانواده صمیمی را قاب می‌کنند. و مهم همین قسمت پایانی است. بسیاری تصور می‌کنند از آنجا که سینما بویژه سیما باید یک دانشگاه باشد، در طول یک فیلم هیچ نقص و کژی و اشتباه و خطایی نباید نشان داده شود و همین افراد گاه از پایان معکوس و مغلوب فیلم که همه آن خوبی‌های بربادرفته نشان داده شده نگران نمی‌شوند، در حالی که تمام تأثیرگذاری یک فیلم و یک سریال و هر اثر هنری دیگر به پایان‌بندی آن است تا تمام امیدها و یأس‌ها و ساختن‌ها و خراب‌کردن‌ها به مخاطب تزریق شود. ۱۵ سال پیش که علیرضا داوودنژاد فیلم سینمایی «مرهم» را ساخت، بسیاری از ظاهربینان و ساده‌لوحان به تصویری که از زن و جامعه و فسادهایی که در آن ارائه شده بود بشدت انتقاد کردند اما واقعیت این است که پایان‌بندی عالی این فیلم یکی از درخشان‌ترین و موثرترین سکانس‌های آخر سینما بود، آنجا که مریم وامانده و بی‌پناه از همه بدی‌ها و نامردی‌ها به سوی مادربزرگش می‌دود و خود را با گریه در آغوش او و چادر سیاهش می‌اندازد و در آنجا پناه می‌گیرد و تمام!

ادامه در صفحه ۸

پیام‌های رفت و آمدهای دیپلماتیک

یادداشت

رضا رحمتی

۱- عباس عراقچی روز پنجشنبه به روسیه رفت تا پیام رهبر معظم انقلاب را به پوتین تحویل دهد. در این دیدار بحث‌های مفصلی پیرامون مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شد و درباره ابتکارات ایران در مذاکرات با آمریکایی‌ها و ابتکارات روسیه در مذاکرات با آمریکایی‌ها درباره اوکراین بحث‌هایی مطرح شد و در پایان سفر خود اعلام کرد حامل پیام و نامه رهبر انقلاب به پوتین بوده؛ نامه‌ای که «نکات مهمی داشت». رئیس‌جمهور روسیه نیز در دیدار عراقچی با تأکید بر اهمیت شراکت راهبردی ایران و روسیه، تقویت پیوندهای ۲ کشور در کنار همکاری و هماهنگی درباره مباحث منطقه‌ای و بین‌المللی را تامین‌کننده منافع ۲ ملت و در راستای حفظ و تقویت صلح و ثبات خوانده و بر اهمیت شراکت استراتژیک ۲ کشور تاکید کرد.

۲- وزیر دفاع عربستان خالد بن‌سلمان به ایران سفر و با مقامات عالیه کشور از جمله رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان نظامی، رئیس‌جمهور و رهبر انقلاب دیدار کرد و در مباحث مطرح‌شده صحبت از روابط ۲ کشور شد و در پایان سفر خود اعلام کرد: «در این دیدار پیام کتبی پادشاه عربستان و سلام وی خطاب به رهبر ایران را ابلاغ کردم. ما درباره روابط دوجانبه میان ایران و عربستان و موضوعات مورد توجه ۲ کشور رایزنی کردیم». وی همچنین در دیدار با رهبر انقلاب گفت: «من با دستور کار گسترش روابط با ایران و همکاری در تمام زمینه‌ها به تهران آمده‌ام و امیدواریم گفت‌وگوهای سازنده انجام‌شده، روابط قوی‌تر از گذشته میان عربستان و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند».

۳- رافائل گروسی در پایان هفته گذشته به ایران سفر کرد و دیدار مفصلی با مقامات سازمان انرژی اتمی داشت و از نمایشگاه صنعت هسته‌ای بازدید کرد و در نهایت گفت‌وگوهای مفصلی نیز پیرامون مسائل مورد مناقشه انجام داد.

۴- بر اساس نظر عمان به عنوان واسطه مذاکرات بین ایران - آمریکا، رم، پایتخت ایتالیا محل مذاکرات شنبه (امروز) است.

۵- به‌رغم همه مواضع ضدونقیض و بی‌ثبات آمریکایی‌ها در روزهای اخیر بویژه درباره برنامه غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران اما ترامپ در مصاحبه‌ای اشاره کرده خواستار برچیده شدن صنعت هسته‌ای ایران نیست و گفته «من جلوی حمله به ایران را نگرفتم، فقط عجله‌ای برای حمله ندارم. فکر می‌کنم ایران می‌خواهد گفت‌وگو کند. امیدوارم بخواهد گفت‌وگو کند. من می‌خواهم ایران پیشرفت کند. نمی‌خواهم کاری انجام دهم که به کسی آسیب بزند اما ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. ما نمی‌خواهیم صنعت یا سرزمین‌شان را از آنها بگیریم، فقط نمی‌خواهیم آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند».

سرعت تحولات دیپلماتیک در فراسوی روابط ایران با کشورهای جهان زیاد شده است و احتمالا در هفته پیش رو نیز ادامه خواهد داشت، این به آن معناست که اتفاقات مهمی در عرصه سیاست خارجی در حال رخ دادن است که محور تمام آنها هم ایران است و ایران را تبدیل به کانون تحولات دیپلماتیک در روزهای آینده خواهد کرد. تحولات دیپلماتیک ایران در این ۳ سطح یعنی در سطح منطقه‌ای (عربستان سعودی)، در سطح فرامنطقه‌ای (روسیه) و در سطح بین‌المللی (آمریکا) نشان می‌دهد روزهای آینده روزهای حساسی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ایران خواهد بود. چند نکته درباره این تحولات نیاز به بازتعریف دارد که به آنها اشاره می‌کنم.

۱- موازنه قدرت در جهان در حال تغییر است: نخستین مساله در دنیای کنونی روابط بین‌الملل این است که شدیدا در حال تغییر است و آنچه حتی تا ماه پیش بر تقسیم قدرت در جهان فائق بوده نیز وجود ندارد. در این خصوص با استعاره از ادبیات روابط بین‌الملل، باید اشاره کرد توزیع توانمندی واحدهای سیاسی در روابط بین‌الملل به صورت ثابت و منجمد نبوده و وضعیت شکننده تغییر معادلات روابط بین‌الملل، نشان‌دهنده شرایط جدیدی است که با شرایط قبلی متفاوت است.

۲- روابط بین‌الملل متاثر از تعرفه‌های ترامپ: نظام اعمال تعرفه‌های ترامپ سبب چینش جدید و تحرکات نوینی در روابط بین‌الملل شده است. تعرفه‌ها سبب شده سازماندهی قدرت که در نکته بالا به آن اشاره شد، تجدید ساختار به خود بگیرد. دیگر فقط کشورهای مورد تحریم مستقیم یا ثانویه آمریکا نیستند که نسبت به سیاست‌های یکجانبه این کشور متضرر می‌شوند، حالا همه کشورها از جمله دولت‌هایی شبیه چین و روسیه و دیگران هم مستقیما هدف اعمال تعرفه‌های این کشور قرار گرفته‌اند و این موضوع سبب تغییر یا تجدید معادلات قبلی شده است.

۳- نادیده گرفتن دوستان آمریکا: موضوع دیگری که در این روزها اتفاق افتاده و بویژه پیرامون گفت‌وگوهای آمریکا با ایران به آن ضریب داده شده است، نادیده گرفته شدن یا به بیانی دیگر کنار گذاشته شدن متحدان یا دوستان اروپایی آمریکا از توزیع توانمندی‌ها یا قدرت در نظام بین‌الملل است. آمریکا هیچ اصراری هم ندارد که این متحدانی را که (در پستوهای کاخ سفید تحت عنوان ساده‌لوح‌های اروپایی از آنها یاد می‌کند) در گذار قدرتی که ترسیم کرده است دخیل کند. در عوض تلاش می‌کند تخم‌مرغ‌های خود را با شرکای جدیدی که درآمدهای کلان نفتی دارند شبیه امارات (به عنوان حامل پیام ترامپ به رهبر معظم انقلاب) و عربستان سعودی (به عنوان حامل پیامی که نیاز به رمزگشایی دارد و در اثنای گفت‌وگوهای آمریکا و ایران با هدف عادی‌سازی روابط خلیج‌فارس با ایران اعزام می‌شود) تقسیم و آنها را به معادلات جدید یا بازتوزیع جدید قدرت وارد کند. علاوه بر این کنار گذاشتن اروپایی‌ها از ماجرای گفت‌وگو با روسیه تحت رهبری پوتین نیز از این موضوع مستثنا نیست.

ادامه در صفحه ۸

دست دوستی سعودی

دیدگاه

ابوالفضل ولایتی

نگاهی به روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی در طول ۹۳ سال اخیر (از زمان تاسیس حکومت سعودی) گواه آن است که تهران و ریاض در خلال دهه‌های متمادی روابط پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. قطع روابط فی‌مابین به دلیل اعدام یکی از حاجیان ایرانی در مکه مکرمه در زمان رضا خان و روابط مستحکم ذیل تئوری دوستونی نیکسون در دوره محمدرضا شاه، گواهی بر این مدعاست. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز روابط طرفین شاهد فراز و فرودهای متفاوتی بوده، از وقوع حادثه گروگان‌گیری در مسجدالحرام توسط جُهیمان العتیبی و یارانش و حمایت رژیم سعودی از صَدام در جنگ تحمیلی تا درخواست ملک عبدالله از اوباما با عنوان قطع سر مار در منطقه (اشاره به ایران) از جمله وقایعی بوده که روابط تهران و ریاض را به سردی کشانده است، با این حال در مقاطعی شاهد ارتقای مناسبات فی‌مابین بودیم. به واقع نقش و جایگاه ژئوپلیتیک ایران و عربستان سعودی به عنوان ۲ قدرت کلیدی منطقه، موجب شده در فواصلی طرفین در راستای تامین مصالح خویش در برابر یکدیگر قرار گیرند. در این میان ایالات‌متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف ایجاد تنش در منطقه و تضمین نفوذ و حضور نظامی خود، کرارا بر آتش موجود در منطقه دمیده و با طرح مباحث و اتهاماتی چون اشاعه تروریسم و فرقه‌گرایی از سوی ایران، تلاش وافری برای دمیدن بر نزاع و جنگ‌افروزی در منطقه کرده‌اند؛ سیاستی که ۲ هدف کلیدی به حاشیه راندن مساله فلسطین و کنترل بازار نفت در منطقه بویژه پس از بحران نفتی ۱۹۷۳ را دنبال کرده است. در این رویکرد، جمهوری اسلامی به عنوان دشمن کلیدی اعراب (به جای رژیم صهیونیستی) از سوی محافل آمریکایی و صهیونیستی به تصویر کشیده شده است. سقوط رژیم بعثی در عراق و تحول در موازنه قوا و در ادامه وقوع تحولات موسوم به بیداری اسلامی در منطقه بستر مناسبی را برای تشدید خصومت‌ها میان تهران و ریاض فراهم آورد؛ رخدادهایی که عراق، سوریه، یمن، لیبی، لبنان و بحرین را به محل منازعه طرفین مبدل کرد. با این حال پس از یک دهه تنش در مناسبات فی‌مابین، سال ۲۰۲۳ در راستای دیپلماسی منطقه‌ای دولت شهید رئیسی و با میانجی‌گری پکن، ۲ بلوک قدرت غرب آسیا از در مصالحه با یکدیگر وارد شدند. چرخش تدریجی سیاست خارجی ایالات متحده در زمینه کاهش اهمیت خاورمیانه و تمرکز بر مهار چین ذیل استراتژی هندوپاسفیک، در کنار بی‌اعتنایی دولت اوباما در برابر سقوط دومینووار دیکتاتورهای خودکامه عرب در خلال بیداری اسلامی و در نهایت انتقادهای صریح دولت بایدن از رژیم سعودی درباره تداوم جنگ در یمن، ناگزیر حکومت سعودی را بر آن داشت در پی ایجاد توازن در سیاست خارجی خویش برآید. محمد بن‌سلمان در راستای رهایی مفرط از وابستگی به ایالات‌متحده، در طول ۵ سال اخیر، سیاست ارتقای مناسبات نظامی و اقتصادی با بلوک شرق را در پیش گرفته است. عضویت ریاض در پیمان بریکس و انعقاد قراردادهای عظیم نظامی و اقتصادی با چین، هند و روسیه در همین راستا قابل ارزیابی است. مراد از بیان نکته فوق‌الذکر از آن رو است که تمایل سعودی به ترمیم مناسبات با تهران درست در چنین بستری به وقوع پیوست. تجارب مهمی مانند جنگ یمن و واقعیات مربوط به فلسطین نیز در این چرخش سعودی به سمت ایران موثر بوده است. در همین راستا و در بحبوحه تنش‌های فزاینده در منطقه، رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به بازتاب وسیع سفر خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع حکومت سعودی به تهران پرداخته‌اند. از سفر بن‌سلمان به تهران به عنوان نخستین سفر وزیر دفاع سعودی به ایران در طول نیم قرن اخیر نام برده می‌شود. اهمیت سفر یادشده از آن رو است که منطقه غرب آسیا در خلال ماه‌های پساهفتم اکتبر، در خون و آتش می‌غلتد. سرکوب بی‌امان و دهشتناک فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی تداوم یافته و دولت راست‌گرای نتانیاهو در سایه چراغ سبز ترامپ نه تنها در مسیر کوچ اجباری فلسطینیان و انضمام غزه و کرانه باختری به خاک سرزمین‌های اشغالی گام برداشته، بلکه با اتکا به سیاست جوخه‌های ترور، مشت آهنین و تشویق نومحافظه‌کاران حاکم بر کاخ سفید، در مسیر بسط جنگ به لبنان، یمن، ایران و تجزیه سوریه قدم نهاده است. در چنین فضایی، ناظران منطقه‌ای به تجزیه و تحلیل مفاد احتمالی نامه ملک سلمان به رهبری معظم انقلاب که توسط خالد بن‌سلمان به تهران آورده شده، همچنین سیاست‌های احتمالی حکومت سعودی در قبال تحولات حاکم بر منطقه پرداخته‌اند.

■ **اطمینان خاطر دادن به ایران**

از زمان استقرار ترامپ در کاخ سفید، مسیحیان انجیلی مستقر در واشنگتن کرارا تهران را به در پیش گرفتن سیاست فشار حداکثری و در نهایت حمله نظامی تهدید کرده‌اند. در این میان، جمهوری اسلامی با تاکید بر پرهیز از جنگ و هشدار نسبت به پیامدهای افزایش تنش در منطقه، نسبت به بهره‌گیری آمریکا از پایگاه‌هایش در منطقه و استفاده از حریم هوایی، دریایی و خاک کشورهای غرب آسیا برای حمله احتمالی به کشورمان به همسایگان هشدار داده و تأکید کرده در صورت وقوع چنین خطایی، علاوه بر پایگاه‌های آمریکا، کشورهای مبدأ حملات از آتش خشم ایران در امان نخواهند بود. وال‌استریت‌ژورنال اخیرا در گزارشی به نقل از کشورهای عرب شورای همکاری خلیج‌فارس نوشته است اعراب منطقه مانع بهره‌مندی آمریکا از خاک و حریم هوایی خود در حمله احتمالی به ایران خواهند شد. از همین رو قابل تصور است بن‌سلمان در این سفر، حامل چنین پیامی به مقامات ارشد ایرانی بوده است.

■ **درخواست میانجی‌گری**

قطر و عمان به عنوان ۲ همسایه جنوبی ایران در طول یک دهه اخیر، بارها در قامت میانجی میان تهران و دولت‌های اروپایی و ایالات‌متحده به ایفای نقش پرداخته‌اند.

ادامه در صفحه ۵

نگاهی متفاوت به مذاکره با آمریکا

حواس‌مان به دوستان‌مان هست

یادداشت روز

امیرعباس نوری

۱- اهالی فن و متخصصان روابط بین‌الملل در این نکته متفق‌القولند که نظم فعلی جهانی دستخوش تغییراتی بنیادین شده است. ساخت قدرت تغییر کرده و در آستانه تغییرات جدیدی است. مبانی و مفاهیم قدرت نیز تغییر کرده و پدیده‌های مهم علمی و اجتماعی، ساختار جدیدی از قدرت را بر نظم فعلی تحمیل کرده است. جدا از این مساله، ایدئولوژی نظم فعلی نیز آماج ضربات سهمگینی شده است و لیبرال - دموکراسی همانند دوران پساجنگ سرد، دیگر مقبولیت و جذابیت سابق را ندارد. برخی ترامپ را بزرگ‌ترین تحمیل شرایط جدید بر ساختار قدرت در آمریکا می‌دانند و برخی دیگر نیز معتقدند ترامپ نسخه ناگزیر هیات حاکمه آمریکا برای گذار از شرایط فعلی است.

واقعیت هرچه باشد اما یک چیز غیرقابل کتمان است؛ ترامپ با آن ادبیات سخیف و بلاهت عجیب، در عمل در حال انجام تغییرات بنیادین سیاسی، امنیتی و خاصه اقتصادی در دنیاست. چه ترامپ را پر کرده باشند و چه ایده خود او و حلقه الیگارش آمریکایی باشد، در حال نظم دادن و اولویت بخشیدن به اولویت‌های آمریکا در سیاست خارجی است. محور همه آنچه ترامپ دنبال می‌کند، نظم جدید برساخته یک اقتصاد جدید جهانی است. آمریکایی‌ها بیشتر از سایر ملل، تکانه‌های تغییرات جدیدی جهانی را لمس کرده‌اند و حتما بیشتر از سایرین، نسبت به این تغییرات احساس خطر می‌کنند. پربیراه نیست اگر ادعا شود اکنون نظم فعلی حاکم بر دنیا، خود بزرگ‌ترین خطر برای ادامه مختصات سلطه واشنگتن بر دنیاست. در سایه همین نظم فعلی است که چین آرام و مطمئن، در حال تبدیل شدن به اقتصاد نخست دنیاست. چینی‌ها هنوز آن روی خود را نشان نداده‌اند. ساده‌لوحی است اگر تصور شود حزب حاکم بر چین، صرفا دنبال چیرگی بر اقتصاد جهانی است و برنامه‌ای برای خلق یک نظم جدید برای تسلط بر دنیا ندارد. چینی‌ها با استفاده از مواهب معادلات مربوط به نظم سیاسی فعلی حاکم بر دنیا، در حال تبدیل شدن به اقتصاد برتر هستند. البته آنها یک جا کافه را به‌هم ریخته‌اند؛ آنجا که معادله زنجیره ارزش را به هم زده و خودشان یک‌تنه بار ارزش و تولید را بر دوش کشیده‌اند. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا اظهارات جالبی در این‌باره مطرح کرده است. او می‌گوید: «ایده جهانی شدن این بود که کشورهای ثروتمند در زنجیره ارزش بالاتر روند، در حالی که کشورهای فقیر چیزهای ساده‌تر را تولید کنند».

اما او افسوس می‌خورد که اوضاع آنطور که باید پیش نرفت. همان‌طور که او توضیح می‌دهد، مشخص شد کشورهای فقیر (عمدتا چین) نمی‌خواستند فقط نیروی کار ارزان باقی بمانند و خودشان شروع به بالا رفتن در زنجیره ارزش کردند. به همین دلیل، به گفته او، جهانی شدن شکست خورد.

۲- ایران از نظم فعلی حاکم بر دنیا بیشترین ضررها را متحمل شده است. نظم آمریکایی در ۴ دهه گذشته ایران را به عنوان یک واحد مزاحم و نامقبول تعریف و از مواهب معادلات سیاسی و اقتصادی دنیا محروم کرده است. بنابراین نظم فعلی هر اندازه متحمل خسارت شود، به همان اندازه می‌تواند برای ایران تولید فرصت کند. از همین رو ایران از یک سو تلاش می‌کند در روند تغییرات جهانی موثر باشد و از دیگر سو، دنبال گرفتن سهم خود از نظم جدید است. این نظم جدید چه تولد ابرقدرتی جدید باشد، چه موجد نظام چندقدرتی و ائتلاف‌های چندگانه باشد، برای ایران یک فرصت بزرگ قلمداد می‌شود. راهبرد وابستگی متقابل با روسیه و چین و هند و در کنار آن توازن دیپلماتیک از طریق کاهش اختلافات با همسایگان، نیز حضور در پیمان‌های نوپدید مانند بریکس، زمینه‌های اثرگذاری در تغییر نظم فعلی و جانمایی در نظم آینده را برای ایران فراهم می‌کند. از همین رو است که اندیشکده‌های معتبر روابط بین‌الملل در غرب، ایران را یک ضلع مثلث محرک برای تغییر نظم فعلی جهانی قلمداد می‌کنند.

۳- مذاکره با آمریکا در این شرایط، به معنای مأیوس شدن از پیشبرد استراتژی تغییر نظم نیست. به تعبیر رهبر انقلاب، این مذاکرات یکی از ده‌ها کار مهم دستگاه دیپلماسی است. ایران به این مذاکرات به چشم فرصتی برای یافتن جایگاهی بهتر در نظم جدید جهانی می‌نگرد. این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که حوزه بین‌الملل و سیاست خارجی، عرصه فرصت‌هاست. ایران اگرچه در کنار برخی قدرت‌های اقتصادی و نظامی دنیا، منافع مشترکی برای تغییر نظم فعلی تعریف و طراحی و تقریبا در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی و نظامی، نوعی وابستگی متقابل با این کشورها تعریف کرده اما همواره نسبت به این واقعیت دقت نظر داشته است که به گزاره رقابت برای جانمایی در نظم یا نظامات جدید جهانی پایبند باشد.

ادامه در صفحه ۷